

تقاضا از متخصصین و حقوقدانان محترم کشور

بخش دوم

عنوان فوق نوشته برادر محترم خلیل الرحمن الفت منتشره سایت وزین افغان جرمن آنلاين به تاریخ ۲۰۱۱/۰۷/۰۸ میباشد. امروز نوشته را بدقت مطالعه کردم و متوجه شدم که جناب پرسنده خود شخص عالم و دانشمند است که چنین سوالات بس عالی را مطرح کرده اند. باید بگویم که نبض حوادث درکشور و منطقه ما چنان به سرعت میتپد که بر بسیاری از مسایل باید بحث، مکث و تمرکز صورت گیرد. هست موارد که به صورت صریح جواب و موضع حق و درست وجود دارد اما عده یا هم بخاطر تناقض به منفعت شخصی آنرا تحریف میکنند و یا هم لفاظی و بحث برای بحث کردن میخواهند. عده که صادقانه رسالت اداء میکنند هم زیاد و سبب مسرت است.

و اما مستقیم واپس به بحث شما:

دیموکراسی به مفهوم بالا و به قسم که نظام دیموکراتیک، حاکمیت قوانین و دساتیر درخدمت مردم و در خدمت ارزش ها مردم باشد درین صورت زیاد تأکید کردن به این ویا آن دین و آیین بیشتر یک شکل فورمال را دارد و در موارد هم قسماً اضافی است. شما تصور کنید یک حالت را که نمایندگان ملت مسلمان افغانستان یک قانون خلاف اصول اسلام را فیصله کنند. مسلم که همچو قانون و تدبیر خلاف ارزش های مردم توسط نماینده شان به معنای این خواهد که این نماینده ملت نیست و درخدمت ارزشها وخواستههای مردم نیست واین قانون برای مردم افغانستان نه خواهدبود. منظور من موارد است که شرع و نص درمورد صراحت دارد و یا احکام دینی درمورد موجود باشد و پارلمان چیزی خلاف آنرا پیش کش کند.

دین اسلام حتی با بخشی از ادیان ابراهیمی به شمول دین مسیحیت فرق دارد. دین اسلام دین دنیا و آخرت است و در تمام موارد دساتیری دارد. دین اسلام سیکولاریزم را نمی شناسد و تلاش های درین راستا به طور عمده ناشی از عدم شناخت از دین اسلامی بوده و یا هم در سطح خواست و آرزو بوده که باواقعیت اسلام سرو کار ندارد(بحث طولانی).

حقوق در دین اسلام بر بخش معاملات (که روابط شخص و یا اشخاص را با اشخاص دیگر) و عبادات (که روابط بنده را به الله تعالی) تنظیم میدارد - احتوا میکند.

منابع حقوق اسلام چهار اند. قرآن کریم، سنت پیامبر اسلام، اجماع امت و قیاس.

قرآن کریم در ظرف مدت ۲۳ سال رسالت (از سال ۶۱۰ میلادی) به ارتباط مسایل مختلف آیات نازل شده به صورت تحریری به املا کردن خود محمد (ص) بر کاتبان وحی تحریری و به شکل ۳۰ جزء در وقت خلیفه حضرت عثمان درآمد. چهار اصل قرآن کریم به چهار گوشه عالم اسلام ارسال شد(یک کاپی ازین چهار اصل درموزیم تاشکند است.) مسلمان هیچ شک و تردید درین اصل وکامل بودن قرآن کریم ندارد. با شک و تردید درقرآن کریم مسلمان از اسلام خارج میشود. الله تعالی تضمین کننده حفظ قرآن کریم است (انانحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون). آیات احکام درقرآنکریم و شأن نزول آیات بحث است بس ارزشمند و علوم تفسیراین مباحث را بررسی و تفصیل ارایه میدارند.

منبع دوم حدیث پیامبر بزرگ اسلام محمد (ص) که این احادیث سینه به سینه نقل شده و درنسل سوم در قرون نهم و دهم میلادی به شکل تحریری درآمده و در اهل سنه و جماعه شش کتاب بزرگ (صحاح سته) کتب بزرگ سنت تشکیل شده. کتب روایات اهل تشیع و بخشی از احادیث موضوعی (احادیث نقلی) و در مجموع علوم حدیث که این بخش و منبع حقوق اسلامی را مورد بحث و تعمق قرار میدهد بحث است طولانی. احادیث از لحاظ قوت وضعف راوی به پنج نوع تقسیم میگردد. حین فتوی استناد باین احادیث و قوت ضعف راوی مسایل طویل و عریض قابل بحث اند.

منبع سوم اجماع امت مسلمین (کنسنسیوس) مسلمان است بریک امر دریک عصر... منبع چهارم قیاس (انالوگی) است که بر اساس یافتن وجه مشترک حلال ویا حرام و شأن نزول آیات بر مسایل که عصر امروز بوجود آورده فتوی به اصول قیاسی توسط مجتهد صورت میگردد.

کسیکه احکام اسلامی را ازاین منابع می یابند، اجتهاد میکنند و صلاحیت اجتهاد را آنرا دارند که فتوی بدهند آنرا مجتهد و مفتی گویند. مجتهد بر علاوه مسلمان بودن، معرفت مسلط به منابع چهار گانه فوق، معرفت علوم اسلامی و زبان عربی و خبره بودن توانایی اجتهاد را داشته باشد - اطلاق میگردد. مجتهد یا حق را می یابد و ثواب اجتهاد، کوشش و به حق رسیدن را کسب میکند ویا هم صرف ثواب تلاش به نیت پاک را کسب میکند اما حتمی نیست حق را یافته باشد.

دپانو شمیره: له ۱ تر 3

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکارۍ ته راوبلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

تعداد این فتاوی شخصی در تاریخ حقوق اسلام که قوانین بعضی از کشورها از جمله قوانین افغانستان در صورت عدم صراحت متن قانون به آن مراجعه را سفارش میدارند - زیاد است.

مرجع کنترول و نظارت بر قانون و اصول در جوامع اسلامی بر علاوه قاضی داخلی، ایمان و وجدان انسان مسلمان مراجع عدلی و قضایی است. اما در کشور های غیردینی صرف مراجع عدلی و قضایی از تطبیق قانون کنترول و نظارت میدارند.

شارع درین دین اسلام الله تعالی است و مرجع قانون گذاری (قوة مقننه) در کشور های اسلامی در موارد که شریعت نصوص و احکام وجود دارند مبدع و ایجاد گر چیزی جدید از احکام، دستاویز و قوانین نبوده بلکه در مورد انتخاب کننده یکی از نظریات فقها و علمای مفتی و مجتهد اسلامی اند که در مورد مطابق به اصول اسلامی قبلا نظر داشته و در فتاوی شخصی شان حفظ است.

قوة مقننه کشور های اسلامی در موارد که شریعت صراحت ندارد راه مناسب را برای حل مسایل مطرح تصویب و روی دست میگیرد.

در مبادی اولی منابع حقوق در اسلام یعنی در قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام (ص) بخشی از مسایل به صورت کلید مجمل آمده است که ضرورت به تدابیر عملی دارند. مثلا طلب علم مطابق اسلام فرض و وجیبه خوانده شده، نظافت جزء ایمان خوانده شده، خانواده اساس خوانده شده، احترام والدین و احترام به بزرگان مسؤلیت خوانده شده، به استفاده از علم و دست آورد های بشری امر شده، حمایه و نگهداری معتقدین ادیان دیگر تحت سیطره حاکمیت اسلامی وظیفه دولت اسلامی خوانده شده، برای امر صلح، نگهداری و حفاظت از آن امر شده، قواعد عمومی برای حالت جنگ روشن شده، برخورد غیر انسانی مانند سینه بریدن و بی سیرت کردن مقابل، قطع اشجار و اذیت و اذیت به اسیران ممنوع شده و دهها دستور زندگی که در این منابع اولی اسلامی هدایات روشن وجود دارد. اما طریق اجرا و عملی کردن این دستاویز و هدایات، راه های عملی و تطبیقی آن باید توسط قانون گذاران در جامعه اسلامی دقیق ساخته شده عملی گردد. این راه ها، سطح انکشاف جوامع مختلف بشری و امکانات عملی در جوامع مختلف- مختلف است که در هر جامعه با در نظر داشت این جوانب باید تصمیم عملی و تدابیر قانونی موجه و ممکن اتخاذ گردد. مراجع قانون گذاری در اصول تغییر آورده نمی توانند اما در راهها، وسایل و امکانات عملی و اینکه کدام امکانات را بیشتر اولویت و کدام یک را در مرحله دوم و سوم قرار میدهند انتخاب کرده میتوانند.

همچنان قابل تذکر میدانم که حضرت محمد (ص) پیامبر الله تعالی و رهبر سیاسی و دینی مسلمانان بود و است. زمانیکه مطلب در زمان حیات پیامبر اسلام نا روشن و یا مورد مشاجره میبود به آنحضرت مراجعه میشد و وی حکم را به اساس وحی ابلاغ میکرد و شبهه وجود نداشت. بعدا خلفای راشدین صرف رهبران دینی و مذهبی بودند و معرفت و شناخت انسانی هم متفاوت بود لذا فهم و تفسیر مسایل در نزد علمای اسلامی با فهم از اساسات و اصول و منابع متفاوت بود لذا این آغاز دوره اختلاف است که اولاً بر جانشینی پیامبر بزرگوار اسلام آغاز شد و در مسایل مختلف به تدریج سبب پیدا شده مذاهب مختلف در دین اسلام گردید. قابل تذکر است که بعضی از این مذاهب و فرقی از دین اسلام خارج شده و عده به فهم خویش داخل دین اند. (الهی ما را از جمله همان فرقه بگردان که راه درست را در دین یافته اند.)

و اما در مورد حتمی بودن قوانین اسلامی افغانستان افراط کردن به این مفهوم که از عالم دینی باید پرسیده شده که قدرت برداشت این پُل و پُلچک چقدر است؟ و یا دیگر مسایل که صرف و صرف کار علم امروزی است و ما با فهم نادرست همه چیز را تحت بهانه قوانین اسلامی منحرف تعبیر کنیم درست نه خواهد و فکر نمی کنم که شما هم چنین هدف داشته داشته باشید. بلی اسلام استفاده از دست آورد های بشری را سفارش میکند و همینکه به علم عمل میشود عمل به دستاویز اسلامی است.

در مورد قضا و محاکم و تطبیق قوانین: چنانچه در مورد منابع حقوق اسلام که مسایل جزایی را نیز در بر میگیرد قسما اشارات داشتیم میخوام تاکید بدارم که در تاریخ حقوق زمانی قوانین غیر نوشته بود و در موارد مورد سوء استفاده قرار میگرفت. یا بهتر بگویم حتی تقریباً چهار سال قبل هم در محاکم افغانستان قاضی باید احکام و فتاوی مختلف علمای مشهور و مجتهدین را میدانست و در موارد که مرجع قانون گذاری حکم مشخص را در مورد صراحت نمی داشت با استفاده از این احکام و فتوی شخصی حکم میکرد. در زمان مرحوم داود خان قوانین جزا و قوانین مدنی به استفاده از قوانین جمهوری عربی مصر تدوین گردید که قسم بیشتر شان تا حال مورد استفاده قرار دارند. این قوانین هم با استفاده از نظریات و فتاوی علمای اسلامی رای بهتر انتخاب و تدوین شده. اما این اباحت و حالات بسیار وسیع است و ممکن شود موارد که قانون حالت معیین را بخاطر ندارد و تحت پوشش قرار نداده که درین صورت قانون گذار احتیاط کرده و این راه حل را که در صورت نبودن صراحت قانون به همان فتاوی شخصی مراجعه شود که عدالت به صورت بهتر تأمین گردد تأکید میشود. چون فتاوی و راه های حل متعدد است برای مهار کردن کمی روشن شدن در مورد عدم صراحت قانون به تمام فتاوی شخصی (امام مالک، امام حنبل، امام احمد، امام یوسف، امام ابوحنیفه، فتاوی از هر شریف و فتاوی و راه های حل که در قوانین بخشی از کشور های اسلامی در نظر

گرفته شده). نه بلکه در قانون ما به پیروی به فتاوی امام ابوحنیفه امر شده. که به وجود این ماده ضرورت بود و این است راه حل که جناب الفت آنرا متذکر شده اند و سوال کرده اند. اما به مرور زمان دارد که تمام کیس ها و حالات در قانون پوشش شده و حکم روشن تدوین میشود که این به پروسه طولانی ضرورت دارد.

یک مثال می آورم: در مورد شخص متهم همان جزای قانون قابل تطبیق است که در وقت ارتکاب جرم نافذ بود. اگر از زمان دستگیری شخص تا نهایی شدن حکم قوانین تغییر کرد و قانونی به تصویب رسید که به ضد متهم بود درین صورت همان قانونی تطبیق میشود که در وقت ارتباط جرم نافذ بود. اما اگر قانون جدید در حق متهم سهل بود به اساس قوانین بعضی از کشور های جهان همان قانون سهل تطبیق میشود. (من شخص در یک کیس مواد مخدره چنین مؤکل داشتم.)

در مورد حاکمیت به ملت تعلق دارد و یا حاکم

نماینده حزب اخوان المسلمین در مصر چندی قبل اعلام کرد که حاکمیت به ملت تعلق دارد. در مورد اساس تابعیت اصل اساسی است. بلی بدون تعصب و پیش داوری باید آموخت. مهم نیست کی گفته مهم است چه گفته و چقدر بدرد ما میخورد؟ این اصل باید اصل اساسی باشد. اما ملت افغان که اساس تصمیم گیری است مسلمان است و انتخاب خویش را دارد. برای من و شما که مسلمان ایم راه ما در چوکات دین ما روشن است و شارع اصلی چنانچه گفتیم در اسلام الله تعالی است. دقیق چنین است که باید برای رسیدن به جامعه مدنی و انسانی کار کرد که ملت اساس بگردد. قوم، قبیله و منطقه اساس نه بلکه ملت اساس باشد، تابعیت و مراعات قانون اساسی باشد. ملت که مسلمان است، انتخاب ارزشهای خویش را در چوکات اسلام تعیین میکند و علماء و روحانیون و بیشتازان جامعه ملت را در انتخاب و اخذمسئولیت یاری میرسانند.

در آخر میخواد تأکید بدارم که حداقل ۱۵ الی ۲۰ موضوع از مسایل مطرح شده فوق ایجاب کار تیزس دوکتورای مستقل را نموده و داخل شدن عمیق به همه این مسایل آموزش به فهم من ده ساله را ایجاب میکند. اما این بدان معنا نیست که این بحث باید از یک جای آغاز نه شود. این بدان معنا هم نیست که صرف نخبه گان و دوکتوران و اکامیسن ها باید بحث کنند. من به این باورم که همه حق داریم به قسم که سوال برای ما مطرح شده با صداقت مطرح کنیم و صادقانه نیت آموزش و کسب معرفت را داشته باشیم. کج بحثی و بحث برای بحث، کینه و پیش داوری و از یکسلسله پدیده های بد دیگر باید خویش را رهانید و از اکادمی انترنیت و الکترونی باید صادقانه استفاده خوب و مثبت برد. از برادر محترم الفت تشکر که من را به تحریر مطالب فوق واداشت. آنچه در چانته داشتم خدمت تقدیم کردم. ممکن در بحث بعدی جدا مختصر و یا اصلا اشتراک نه کنم. الله نگهدارد. از طول کلام معذورم خواهند داشت ازین مختصر نتوانستم.

پایان